



Ilam University



Iranian Association  
of Constitutional Law

## Comparative Study of the Principles and Foundations Governing Oil Contracts in the Laws of Iran and Iraq

Razieh Abdossamadi<sup>1</sup>, Ahmad Honardoust<sup>2</sup>

1. Assistant Prof. of Law, Faculty of Law and Theology, Ashrafi Esfahani University, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

Email: [rsamadi.ir@gmail.com](mailto:rsamadi.ir@gmail.com)

2. MA. in Private Law, Faculty of Law and Theology, Ashrafi Esfahani University, Isfahan, Iran.

Email: [ahmad\\_honardoust@yahoo.com](mailto:ahmad_honardoust@yahoo.com)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received 14 Sep 2025

Received in revised form 15 Sep 2025

Accepted 11 Nov 2025

Available online 22 Sep 2026

#### Keywords:

Oil Contracts,  
Iranian Law,  
Iraqi Law,  
Legal Principles,  
International Company.

### ABSTRACT

Oil contracts, as one of the most important legal instruments in the oil and gas industry, play a significant role in the economic development of resource-rich countries. These contracts are governed by specific legal principles and foundations that vary from country to country, depending on their legal system and economic policies. Given their long-term nature, oil and gas contracts often become a battleground for conflicting interests between international oil companies and host governments. This characteristic can render such contracts vulnerable to unforeseen political, economic, and legal changes between the time of signing and completion. Consequently, contracting parties tend to employ mechanisms to maintain the economic balance established from the contract's initiation to its fulfillment. This paper conducts a comparative study of the principles and legal foundations governing oil contracts in Iran and Iraq. By examining general principles such as balanced interests, transparency, risk management, state sovereignty over natural resources, and international cooperation, the research analyzes the differences and similarities in the legal frameworks of the two countries while identifying the nature of such contracts. In Iran, oil contracts are regulated under laws such as the Petroleum Law of 1987 and the Constitution (Articles 44 and 45), with common models including buyback agreements and production sharing contracts. In Iraq, the Oil Law of 2007 and the Constitution (Article 111) define the legal framework, with the dominant models being production sharing contracts and technical service agreements. Common challenges include political instability, financial and technical risks, and conflicts between federal and local laws in Iraq. The paper concludes by offering recommendations such as enhancing transparency, developing risk management mechanisms, and increasing contract flexibility, proposing solutions to improve the legal frameworks of both countries.

**Cite this article:** Abdossamadi, Razieh., Honardoust, Ahmad. (2026). Comparative Study of the Principles and Foundations Governing Oil Contracts in the Laws of Iran and Iraq. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 4 (2), 45- 67. <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2059069.1130>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2059069.1130>

**Publisher:** Ilam University.



Ilam University



Iranian Association  
of Constitutional Law

## مطالعه تطبیقی اصول و مبانی حاکم بر قراردادهای نفتی در حقوق ایران و عراق

راضیه عبدالصمدی<sup>۱</sup> | احمد هنردوست<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه حقوق، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) رایانامه: [rsamadi.ir@gmail.com](mailto:rsamadi.ir@gmail.com)

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و الهیات، دانشگاه شهید اشرفی اصفهانی، اصفهان، ایران. رایانامه: [ahmad\\_honardoust@yahoo.com](mailto:ahmad_honardoust@yahoo.com)

### چکیده

### اطلاعات مقاله

قراردادهای نفتی به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی در صنعت نفت و گاز، نقش بسزایی در توسعه اقتصادی کشورهای دارنده منابع نفتی ایفا می‌کنند. این قراردادها تحت تأثیر اصول و مبانی حقوقی خاصی قرار دارند که در هر کشور با توجه به نظام حقوقی و سیاست‌های اقتصادی آن کشور متفاوت است. قراردادهای نفت و گاز با ویژگی بلندمدت صحنه تضاد بین منافع شرکت‌های نفتی بین‌المللی و منافع دولت میزبان است. این ویژگی می‌تواند چنین قراردادهایی را در برابر تغییرات غیرقابل پیش‌بینی سیاسی، اقتصادی و قانونی در زمان انعقاد، آسیب‌پذیر کند؛ بنابراین، طرفین قرارداد تمایل دارند از مکانیسم‌هایی برای حفظ تعادل اقتصادی که از زمان انعقاد تا تکمیل قرارداد به آن رسیده‌اند، استفاده کنند. مقاله حاضر به مطالعه تطبیقی اصول و مبانی حاکم بر قراردادهای نفتی در حقوق ایران و عراق می‌پردازد. این پژوهش با بررسی اصول کلی همچون منافع متوازن، شفافیت، مدیریت ریسک، حاکمیت دولتی بر منابع طبیعی و همکاری بین‌المللی، تفاوت‌ها و شباهت‌های نظام حقوقی دو کشور را در کنار شناسایی ماهیت این نوع قراردادها تحلیل می‌کند. در ایران، قراردادهای نفتی تحت قوانینی مانند قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ و قانون اساسی (اصول ۴۴ و ۴۵) تنظیم می‌شوند و مدل‌های رایج شامل بیع متقابل و مشارکت در تولید است. در عراق، قانون نفت ۲۰۰۷ و قانون اساسی (ماده ۱۱۱) چارچوب حقوقی را تعیین می‌کنند و مدل‌های غالب، مشارکت در تولید و قراردادهای خدمات فنی هستند. چالش‌های مشترک شامل ناآرامی‌های سیاسی، ریسک‌های مالی و فنی و تعارض قوانین محلی و فدرال در عراق است. مقاله با ارائه پیشنهادهایی مانند تقویت شفافیت، توسعه مکانیزم‌های مدیریت ریسک و انعطاف‌پذیری در قراردادهای راهکارهایی برای بهبود نظام حقوقی دو کشور ارائه می‌دهد.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۳

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۲۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۶/۳۱

کلیدواژه‌ها:

قراردادهای نفتی،

حقوق ایران،

حقوق عراق،

اصول حقوقی،

شرکت‌های بین‌المللی.

استناد: عبدالصمدی، راضیه؛ هنردوست، احمد (۱۴۰۵). مطالعه تطبیقی اصول و مبانی حاکم بر قراردادهای نفتی در حقوق ایران و عراق. *مطالعات تطبیقی*

حقوق کشورهای اسلامی، ۴ (۲)، ۴۵-۶۷.

<http://doi.org/10.22034/lcs.2025.2059069.1130>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



## مقدمه

صنعت نفت و گاز ستون فقرات اقتصاد ایران و عراق و منبع اصلی درآمد این دو دولت است. صنعت نفت و گاز به عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در کشورهای دارنده منابع نفتی، همواره مورد توجه دولت‌ها و شرکت‌های بین‌المللی بوده است. دولت عراق از طریق وزارت نفت پنج دوره صدور مجوز را برگزار کرده است. در نتیجه این دوره‌های صدور مجوز، بسیاری از شرکت‌های نفتی بین‌المللی (IOC) مجوز سرمایه‌گذاری در صنعت نفت عراق را دریافت کردند و با دولت قراردادهای نفتی امضا کردند. در حالی که برخی از این قراردادهای نفتی به توسعه و گسترش بیشتر میادین بزرگ نفتی در حال حاضر مربوط می‌شود. قراردادهای نفتی به عنوان ابزار اصلی تنظیم روابط میان دولت‌ها و شرکت‌های نفتی، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. این قراردادها تحت تأثیر اصول و مبانی حقوقی خاصی قرار دارند که در هر کشور با توجه به نظام حقوقی و سیاست‌های اقتصادی آن کشور متفاوت است. در جهان امروز، قراردادهای بین‌المللی به عنوان پایه و اساس تعاملات تجاری نقش کلیدی ایفا می‌کنند، به ویژه در حوزه انرژی که شامل صنایع نفت و گاز می‌شود. این قراردادها نه تنها چارچوبی برای همکاری‌های اقتصادی فراهم می‌کنند، بلکه آثار حقوقی آن‌ها و توانایی‌شان در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. قراردادهای نفتی، به عنوان سازوکارهای قانونی، از زمان کشف منابع هیدروکربنی تاکنون، به عنوان ابزاری برای تحقق منافع مشترک طرفین و تنظیم روابط میان آن‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند. در ایران، این نوع توافق‌ها همواره در طول تاریخ صنعت نفت، با چالش‌ها و اختلافات متعددی همراه بوده است. در خصوص پیشینه تحقیق لازم به ذکر است اشاره گردد که در زمینه قراردادهای نفتی مقالات و کتب زیادی به رشته تحریر درآمده اما این مقاله با رویکردی دوگانه و پژوهش محور از منظر اصول و مبانی حاکم بر این گونه قراردادها به حقوق دو کشور پرداخته است. هدف از نگارش ارزیابی اصول و مبانی، ماهیت و مدل‌های قراردادی در حقوق کشورهای مورد مطالعه می‌باشد. یکی از مشکلات رایج در قراردادهای نفتی در دو کشور عدم گنجاندن بندهای تعدیل و بازنگری دوره‌ای، عدم استفاده از بندهای فورس مازور برای مدیریت شرایط غیرمنتظره مانند بحران‌های سیاسی یا طبیعی و همچنین در راستای مدیریت ریسک، عدم وجود سازوکارهای مدیریت ریسک در قراردادهای نفتی به منظور کاهش تأثیرات نامطلوب ناشی از تغییرات قیمت نفت و سایر ریسک‌های مالی و فنی و عدم استفاده از ابزارهای مالی مانند قراردادهای آتی و اختیار معامله برای پوشش ریسک‌های ناشی از نوسانات قیمت اشاره کرد.

در این مقاله در ابتدا به بررسی اصول و مبانی کلی حاکم بر قراردادهای نفتی و انواع مدل‌های قراردادی پرداخته و در ادامه به بررسی ماهیت قراردادهای نفتی پرداخته‌ایم و در آن در پاسخ به این سؤالات که تفاوت‌ها و شباهت‌های اصول و مبانی حاکم بر قراردادهای نفتی در حقوق ایران و عراق کدام‌اند؟ و اینکه ماهیت حقوقی و اصول حاکم بر مدل‌های مختلف قراردادهای نفتی (مانند مشارکت در تولید، قراردادهای خدماتی، بیع متقابل) در حقوق ایران و عراق چگونه است و چه عواملی بر انتخاب این مدل‌ها در دو کشور تأثیرگذار بوده است؟ فرضیه‌ها نیز به ترتیب به این صورت است که الف) به نظر می‌رسد قراردادهای نفتی در ایران تحت تأثیر اصول حاکمیتی نظیر مالکیت عمومی منابع طبیعی (اصل ۴۵ قانون اساسی) است، در حالی که نظام حقوقی عراق با توجه به شرایط پساصدام، انعطاف‌پذیری بیشتری در جذب سرمایه‌گذاری خارجی نشان می‌دهد. ب) به نظر می‌رسد ایران با توجه به محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها و اصل حاکمیت دولت بر منابع، بیشتر از مدل‌های قراردادی مانند بیع متقابل

(Buy-Back) استفاده می‌کند، در حالی که عراق با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی و توسعه میادین، به سمت مدل‌های مشارکتی مانند (PSA) گرایش دارد.

فرآیند اکتشاف، استخراج و توسعه میادین نفتی و گازی به دلیل ماهیت پیچیده و پرهزینه خود، همواره با عدم قطعیت‌ها و ریسک‌های فراوانی روبرو بوده است. از یک سو، شناسایی و ارزیابی ذخایر زیرزمینی نفت و گاز و از سوی دیگر، تحلیل اقتصادی و فنی پروژه‌های مرتبط با آن‌ها، نیازمند دقت و تخصص بالایی است. اگر این ریسک‌ها به درستی شناسایی و مدیریت نشوند و در مرحله انعقاد قرارداد و جذب سرمایه‌گذاری، تمهیدات لازم برای آن‌ها پیش‌بینی نشود، ممکن است پیامدهای زیان‌بار و غیرقابل جبرانی هم برای سرمایه‌گذاران خارجی و هم برای دولت میزبان به عنوان صاحب منابع ایجاد کند (شکوئی و سعادت زاده، ۱۴۰۰، ۵۷).

بنابراین، طراحی و تنظیم قراردادهای نفتی با در نظر گرفتن تمامی ابعاد حقوقی، اقتصادی، فنی و محیط زیستی، امری ضروری است. این کار نه تنها از بروز اختلافات آینده جلوگیری می‌کند، بلکه اطمینان حاصل می‌کند که منافع بلندمدت همه ذینفعان، از جمله دولت، سرمایه‌گذاران و جامعه محلی، به طور متوازن تأمین شود. در نهایت، این رویکرد به ایجاد فضایی پایدار و قابل اعتماد برای همکاری‌های بین‌المللی در صنعت نفت و گاز کمک شایانی می‌کند. در این مقاله، به مطالعه تطبیقی اصول و مبانی حاکم بر قراردادهای نفتی در حقوق ایران و عراق پرداخته می‌شود.

## ۱. اصول کلی حاکم بر قراردادهای نفتی

قراردادهای نفتی به عنوان ابزارهای حقوقی و اقتصادی، نقش اساسی در توسعه صنعت نفت و گاز ایفا می‌کنند. این قراردادها چارچوبی برای همکاری میان دولت‌های میزبان و شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی فراهم می‌کنند و اصول کلی حاکم بر آن‌ها بر پایه منافع مشترک، عدالت، شفافیت و مدیریت ریسک استوار است. (Roberts, 2016:32) در ادامه به برخی از اصول کلی حاکم بر قراردادهای نفتی اشاره می‌شود:

### ۱-۱. اصل منافع متوازن و مشترک در قراردادهای نفتی

یکی از اصول بنیادین در قراردادهای نفتی، تأمین منافع متوازن و مشترک میان دولت میزبان و سرمایه‌گذار خارجی است. این اصل تضمین می‌کند که هر دو طرف از منابع نفتی بهره‌برداری کرده و سود حاصل از فعالیت‌های اکتشاف، توسعه و تولید به صورت عادلانه تقسیم شود. این توازن منافع، پایه اعتماد و همکاری بلندمدت را تقویت می‌کند و از بروز اختلافات آینده جلوگیری می‌نماید. از جمله مفاهیم کلیدی در منافع متوازن و مشترک؛ اول تقسیم عادلانه سود است به این معنا که دولت میزبان و سرمایه‌گذار خارجی باید از سود حاصل از فروش نفت و گاز بهره‌مند شوند. این تقسیم سود معمولاً بر اساس مدل‌های مالی مانند مالیات، حق امتیاز<sup>۱</sup> یا سهم برداری<sup>۲</sup> تعیین می‌شود. به عنوان مثال، در قراردادهای مشارکت در تولید<sup>۳</sup>، سود نفت تولیدی پس از کسر هزینه‌ها، بین دولت و سرمایه‌گذار تقسیم می‌شود (Johnston, 2003: 56). دوم تأمین منافع بلند مدت است. قراردادهای نفتی باید نه تنها

1- Royalty

2- Profit Sharing

3- Production Sharing Contracts - PSCs

منافع کوتاه‌مدت، بلکه منافع بلندمدت را نیز برای هر دو طرف تأمین کنند. این شامل توسعه زیرساخت‌ها، انتقال فناوری و ایجاد اشتغال برای کشور میزبان است (UNCTAD, 2020). سوم مدیریت ریسک و مسئولیت‌ها است به این معنا که ریسک‌های مالی، فنی و محیط زیستی باید به طور متوازن بین دولت و سرمایه‌گذار تقسیم شود. این امر به کاهش نگرانی‌های سرمایه‌گذار و افزایش اطمینان دولت میزبان کمک می‌کند (Islam, 2020: 32)؛ و چهارم شفافیت و اعتماد متقابل است که در قراردادهای نفتی که ارزش مالی بالایی دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (Transparency International, 2020).

### ۱-۲. اصل شفافیت و پاسخگویی در قراردادهای نفتی

شفافیت و پاسخگویی از اصول کلیدی در قراردادهای نفتی هستند که به ایجاد اعتماد میان دولت میزبان، سرمایه‌گذاران خارجی و جامعه مدنی کمک می‌کنند. این اصل تضمین می‌کند که تمامی فعالیت‌های مرتبط با صنعت نفت و گاز، از مذاکرات اولیه تا اجرا و نظارت، به صورت شفاف و قابل بررسی انجام شوند. شفافیت و پاسخگویی نه تنها از فساد جلوگیری می‌کند، بلکه به بهبود مدیریت منابع طبیعی و افزایش منافع ملی منجر می‌شود. (Transparency International, 2020). تمامی مفاد قراردادهای نفتی باید به صورت شفاف و عمومی در دسترس باشند. این شامل شرایط مالی، فنی، محیط زیستی و اجتماعی است. دولت‌ها و شرکت‌های نفتی باید در قبال اقدامات خود به جامعه مدنی، سازمان‌های غیردولتی و سایر ذینفعان پاسخگو باشند. پاسخگویی شامل ارائه گزارش‌های دوره‌ای، برگزاری جلسات عمومی و مشارکت جامعه محلی در تصمیم‌گیری‌ها است. همچنین شرکت‌های نفتی موظف‌اند درآمدها، هزینه‌ها و سود خود را به طور دقیق گزارش دهند. این گزارش‌ها باید توسط نهادهای مستقل حسابرسی شوند.

### ۱-۳. اصل مدیریت خطر

صنعت نفت و گاز به دلیل ماهیت پرهزینه و پیچیده خود، با خطرات فراوانی همراه است. اصول حاکم بر قراردادهای نفتی باید شامل سازوکارهای مدیریت خطر باشد تا خطرهای مالی، فنی، محیط زیستی و سیاسی به طور مناسب توزیع و کنترل شوند. این امر به کاهش نگرانی‌های سرمایه‌گذاران و افزایش اطمینان دولت میزبان کمک می‌کند (Islam, 2020: 70).

مدیریت خطر یکی از اصول کلیدی در قراردادهای نفتی است که به منظور کاهش تأثیرات نامطلوب ناشی از عدم قطعیت‌ها و مخاطرات مرتبط با پروژه‌های نفتی اعمال می‌شود. این اصل شامل شناسایی، ارزیابی، کنترل و نظارت بر ریسک‌های احتمالی در مراحل مختلف اکتشاف، توسعه، تولید و فروش نفت و گاز است. خطرات مرتبط با قراردادهای نفتی می‌توانند شامل مخاطرات مالی، فنی، سیاسی، محیط زیستی و حقوقی باشند. یکی از روش‌های مدیریت خطر در قراردادهای نفتی تخصیص خطر در این‌گونه قراردادهاست؛ به این معنا که خطرات بین طرفین قرارداد (دولت و شرکت‌های نفتی) به صورت متعادل توزیع می‌شود. برای مثال، در قراردادهای مشارکت در تولید، خطرات ناشی از اکتشاف و توسعه معمولاً بر عهده شرکت‌های نفتی است، در حالی که مخاطرات سیاسی و قانونی بیشتر بر عهده دولت می‌باشد (علی‌زاده و رضایی، ۱۳۹۸: ۴۵). از جمله روش‌های دیگر مدیریت خطر در قراردادهای نفتی استفاده از ابزارهای مالی و سازوکارهای حل اختلاف و بیمه می‌باشد به این صورت که شرکت‌های نفتی از ابزارهای مالی مانند

قراردادهای آتی<sup>۱</sup> و اختیار معامله<sup>۲</sup> برای پوشش خطرات ناشی از نوسانات قیمت نفت استفاده می‌کنند. همچنین بیمه کردن پروژه‌های نفتی در برابر خطراتی مانند حوادث طبیعی، خرابی تجهیزات و مسئولیت‌های محیط زیستی و درج بندهای حل اختلاف در قراردادها مانند داوری بین‌المللی برای کاهش خطرات حقوقی در قراردادهای نفتی مؤثر است (علی زاده و رضایی، ۱۳۹۸: ۵۳).

#### ۱-۴. اصل رعایت قوانین ملی و بین‌المللی

اصل رعایت قوانین ملی و بین‌المللی یکی از اصول اساسی در قراردادهای نفتی است که تضمین‌کننده مشروعیت، اعتبار و اجرای صحیح این قراردادها می‌باشد. این اصل ایجاب می‌کند که تمامی طرفین قرارداد، اعم از دولت‌ها و شرکت‌های نفتی، مقررات داخلی کشور میزبان و همچنین تعهدات بین‌المللی مرتبط را رعایت کنند. رعایت این اصل نه تنها از بروز اختلافات حقوقی جلوگیری می‌کند، بلکه به ایجاد اعتماد متقابل و پایداری در روابط طرفین کمک می‌نماید. قوانین ملی کشور میزبان نقش تعیین‌کننده‌ای در تنظیم قراردادهای نفتی دارند. این قوانین معمولاً شامل مقررات مربوط به مالکیت منابع نفتی، مالیات، محیط زیست، کار و ایمنی می‌شوند. برای مثال، در ایران، قانون نفت و قانون اساسنامه وزارت نفت، چارچوب حقوقی فعالیت‌های نفتی را تعیین می‌کنند. رعایت این قوانین برای شرکت‌های نفتی خارجی الزامی است و عدم توجه به آن می‌تواند منجر به فسخ قرارداد یا تحمیل جریمه‌های سنگین شود (محمدی، ۱۳۹۷: ۵۳).

قراردادهای نفتی علاوه بر قوانین ملی، تابع قوانین و مقررات بین‌المللی نیز هستند. این مقررات شامل معاهدات بین‌المللی، قواعد حقوق بین‌الملل عرفی و اصول کلی حقوقی می‌شوند. برای مثال، کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون حقوق دریاهای (UNCLOS) و کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی (UNFCCC) می‌توانند بر فعالیت‌های نفتی تأثیرگذار باشند. همچنین، شرکت‌های نفتی بین‌المللی ملزم به رعایت استانداردهای جهانی در زمینه‌ی محیط زیست، حقوق بشر و مسئولیت‌های اجتماعی هستند (کریمی، ۱۳۹۹: ۴۰). اصل رعایت قوانین ملی و بین‌المللی در قراردادهای نفتی عراق نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که این کشور دارای یکی از بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان بوده و صنعت نفت آن نقش محوری در اقتصاد ملی ایفا می‌کند. رعایت این اصل تضمین‌کننده مشروعیت قراردادها، کاهش اختلافات حقوقی و ایجاد ثبات در روابط بین دولت عراق و شرکت‌های نفتی بین‌المللی است. در عراق، قوانین ملی و تعهدات بین‌المللی به‌طور هم‌زمان بر قراردادهای نفتی حاکم هستند و رعایت هر دو جنبه برای موفقیت پروژه‌های نفتی ضروری است. قوانین ملی عراق در حوزه نفت و گاز عمدتاً در قانون اساسی، قانون نفت فدرال و قوانین مربوط به مناطق خودمختار (مانند کردستان عراق) تعیین شده‌اند. قانون اساسی عراق (مصوب ۲۰۰۵) مالکیت منابع نفتی را به تمامی مردم عراق اختصاص داده و مدیریت این منابع را در اختیار دولت فدرال و دولت‌های محلی قرار داده است. قانون نفت فدرال که هنوز به‌طور کامل به تصویب نرسیده است، چارچوب حقوقی فعالیت‌های نفتی در عراق را تعیین می‌کند. علاوه بر این، مناطق خودمختار کردستان عراق دارای قوانین نفتی خاص خود هستند که گاهی با قوانین فدرال در تعارض قرار می‌گیرند (حسینی، ۱۳۹۸). عراق به عنوان یک عضو فعال در جامعه بین‌المللی، متعهد به

1- Futures

2- Options

رعایت قوانین و معاهدات بین‌المللی است. این کشور عضو سازمان‌هایی مانند اوپک (OPEC) است که قواعد خاصی را برای تولید و صادرات نفت تعیین می‌کنند. همچنین، عراق موظف به رعایت تعهدات بین‌المللی در زمینه‌ی محیط زیست، حقوق بشر و مسئولیت‌های اجتماعی است. برای مثال، کنوانسیون‌های بین‌المللی مانند کنوانسیون تغییرات آب‌وهوایی (UNFCCC) و کنوانسیون حقوق دریاها (UNCLOS) می‌توانند بر فعالیت‌های نفتی عراق تأثیرگذار باشند (رضایی، ۱۴۰۰: ۹۶).

#### ۱-۵. اصل انعطاف‌پذیری و تطبیق با شرایط متغیر

اصل انعطاف‌پذیری و تطبیق با شرایط متغیر یکی از اصول کلیدی در قراردادهای نفتی است که به طرفین قرارداد اجازه می‌دهد تا در مواجهه با تغییرات غیرمنتظره در شرایط اقتصادی، سیاسی، فنی یا محیط زیستی، بتوانند قرارداد را به گونه‌ای تعدیل کنند که منافع هر دو طرف حفظ شود. این اصل به‌ویژه در کشورهایی مانند ایران و عراق که با چالش‌های سیاسی، اقتصادی و فنی متعددی روبرو هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ایران، اصل انعطاف‌پذیری در قراردادهای نفتی از طریق مکانیزم‌هایی مانند بندهای تعدیل، بازنگری دوره‌ای و شرایط فورس ماژور اعمال می‌شود. این مکانیزم‌ها به طرفین قرارداد اجازه می‌دهند تا در صورت بروز تغییرات اساسی در شرایط، بتوانند قرارداد را تعدیل یا بازنگری کنند. در حقوق عراق نیز نه تنها این بندها در قراردادهای نفتی وجود دارد بلکه در حقوق نفتی این کشور بند همکاری با شرکت‌های بین‌المللی نیز برای ایجاد انعطاف‌پذیری و توازن در قراردادها استفاده می‌شود. (حسینی، ۱۳۹۸، ۸۳)

#### ۱-۶. اصل حاکمیت دولتی بر منابع طبیعی

یکی از اصول کلی حاکم بر قراردادهای نفتی، اصل حاکمیت دولتی بر منابع طبیعی است. این اصل بیان می‌کند که منابع طبیعی از جمله نفت و گاز، متعلق به دولت بوده و دولت حق بهره‌برداری از این منابع را دارد. در حقوق ایران، این اصل در قانون اساسی و قوانین عادی مورد تأکید قرار گرفته است. به عنوان مثال، در اصل ۴۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیستند، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید» (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۴۵). در حقوق عراق نیز اصل حاکمیت دولتی بر منابع طبیعی مورد تأکید قرار گرفته است. در قانون اساسی عراق مصوب ۲۰۰۵، در ماده ۱۱۱ آمده است: «نفت و گاز متعلق به تمامی مردم عراق در تمامی مناطق و استان‌ها است» (قانون اساسی عراق، ماده ۱۱۱). این اصل بیانگر آن است که دولت عراق به عنوان نماینده مردم، حق بهره‌برداری از منابع نفتی را دارد؛ بنابراین در هر دو کشور اصل حاکمیت بر منابع طبیعی حکم فرماست.

## ۱-۷. اصل مشارکت و همکاری بین‌المللی

اصل مشارکت و همکاری بین‌المللی یکی دیگر از اصول کلی حاکم بر قراردادهای نفتی است. این اصل بیان می‌کند که دولت‌ها می‌توانند با شرکت‌های بین‌المللی نفتی برای بهره‌برداری از منابع نفتی همکاری کنند. در حقوق ایران، این اصل در قالب قراردادهای مشارکت در تولید<sup>۱</sup> و قراردادهای بیع متقابل<sup>۲</sup> مورد استفاده قرار گرفته است. در قراردادهای مشارکت در تولید، شرکت‌های بین‌المللی نفتی با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی، سهمی از تولید نفت را دریافت می‌کنند. در قراردادهای بیع متقابل، شرکت‌های بین‌المللی نفتی هزینه‌های سرمایه‌گذاری را تأمین کرده و در ازای آن، مبلغی را به عنوان بازپرداخت هزینه‌ها و سود دریافت می‌کنند (زارعی، ۱۳۹۸: ۱۲۳).

در حقوق عراق نیز اصل مشارکت و همکاری بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است. دولت عراق با شرکت‌های بین‌المللی نفتی برای بهره‌برداری از منابع نفتی همکاری می‌کند. به عنوان مثال، در قراردادهای توسعه میادین نفتی عراق، شرکت‌های بین‌المللی نفتی با سرمایه‌گذاری در پروژه‌های نفتی، سهمی از تولید نفت را دریافت می‌کنند (AL Chalabi, 2010:45).

## ۲. مبانی حقوقی قراردادهای نفتی

مبانی حقوقی قراردادهای نفتی در ایران و عراق تحت تأثیر قوانین داخلی، معاهدات بین‌المللی و اصول حقوقی حاکم بر صنعت نفت قرار دارد. در اینجا به بررسی مبانی حقوقی قراردادهای نفتی در هر دو کشور و منابع مرتبط با آن‌ها می‌پردازیم:

### ۲-۱. مبانی حقوقی قراردادهای نفتی در ایران

در حقوق ایران، قراردادهای نفتی تحت تأثیر مبانی حقوقی خاصی قرار دارند. یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی قراردادهای نفتی در ایران، قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ است. این قانون به عنوان قانون مادر در صنعت نفت و گاز ایران، اصول و مقررات کلی حاکم بر قراردادهای نفتی را تعیین می‌کند. در ماده ۱ قانون نفت آمده است: «کلیه منابع نفتی کشور اعم از نفت خام، گاز طبیعی، میعانات و سایر هیدروکربورها در حالت طبیعی، در اختیار دولت است و دولت می‌تواند با رعایت مقررات این قانون، بهره‌برداری از این منابع را به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار کند» (قانون نفت، ماده ۱).

یکی دیگر از مبانی حقوقی قراردادهای نفتی در ایران، قانون برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. این قانون به عنوان چارچوب کلی برای تنظیم سیاست‌های اقتصادی کشور، اصول و مقررات کلی حاکم بر قراردادهای نفتی را تعیین می‌کند. در قانون برنامه پنج ساله توسعه، به ضرورت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز تأکید شده است (قانون برنامه پنج ساله توسعه، ماده ۱۲). همچنین قانون اساسی در اصول ۴۵ و ۴۴ منابع طبیعی از جمله نفت و گاز را جزو انفال و ثروت‌های عمومی محسوب نموده است و نه تنها آن‌ها را در اختیار حکومت اسلامی قرار داده بلکه بخش نفت و گاز را جزو بخش دولتی اقتصاد دانسته و دولت را موظف نموده از این منابع به

1- Production Sharing Contracts

2- Buyback Contracts

نفع عموم استفاده نماید. نکته دیگر آن است که در حقوق ایران اصل حاکمیت اراده به عنوان یک اصل پذیرفته شده در حقوق، به این معنا است که افراد در انعقاد قراردادهای خود آزادی دارند، اما نمی‌توانند برخلاف نظم عمومی و هنجارهای اجتماعی توافق کنند. در برخی موارد، طرفین قرارداد ممکن است شروطی را ذکر کنند که علیرغم اینکه تحت حاکمیت اراده آن‌ها قابل اعمال است، با اصول اجتماعی و نظم عمومی در تعارض قرار داشته و قابل اجرا نیستند. در قراردادهای نفتی نیز، با وجود برخی ساختارها، اعمال حاکمیت اراده و رعایت اصل آزادی قراردادی ممکن است. این قراردادها تحت نظارت مقامات دولتی و در یک بستر عمومی منعقد شوند و اگر یکی از طرفین قرارداد مرتکب تخلف یا تدلیس شود، طرف دیگر می‌تواند موضوع را به مراجع نظارتی گزارش دهد (الذبحاوی و همکاران، ۱۴۰۴: ۳۲).

## ۲-۲. مبانی حقوقی قراردادهای نفتی در عراق

در عراق، چالش‌های حقوقی قراردادهای نفتی عمدتاً ناشی از ناآرامی‌های سیاسی و امنیتی است. این ناآرامی‌ها باعث شده است که شرکت‌های بین‌المللی نفتی با ریسک بالایی در سرمایه‌گذاری مواجه شوند. علاوه بر این، عدم ثبات در قوانین و مقررات نفتی نیز از دیگر چالش‌های حقوقی در عراق است (AL-Chalabi, 2010: 78). عراق بخش نفت و گاز خود را در سال ۲۰۰۹ به روی سرمایه‌گذاری خارجی باز کرد. استراتژی کلی، استفاده از یک سیستم مجوز محور بسیار رقابتی بر اساس معیارهای خاص بود. در حقوق عراق، قراردادهای نفتی تحت تأثیر مبانی حقوقی خاصی قرار دارند. یکی از مهم‌ترین مبانی حقوقی قراردادهای نفتی در عراق، قانون نفت مصوب ۲۰۰۷ است. این قانون به عنوان قانون مادر در صنعت نفت و گاز عراق، اصول و مقررات کلی حاکم بر قراردادهای نفتی را تعیین می‌کند. در ماده ۳ قانون نفت عراق آمده است: «کلیه منابع نفتی کشور اعم از نفت خام، گاز طبیعی و سایر هیدروکربورها در حالت طبیعی، در اختیار دولت است و دولت می‌تواند با رعایت مقررات این قانون، بهره‌برداری از این منابع را به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار کند» (قانون نفت عراق، ماده ۳). یکی دیگر از مبانی حقوقی قراردادهای نفتی در عراق، قانون سرمایه‌گذاری خارجی مصوب ۲۰۰۶ است. این قانون به عنوان چارچوب کلی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز عراق، اصول و مقررات کلی حاکم بر قراردادهای نفتی را تعیین می‌کند. در قانون سرمایه‌گذاری خارجی، به ضرورت جذب سرمایه‌گذاری خارجی در صنعت نفت و گاز تأکید شده است (قانون سرمایه‌گذاری خارجی عراق، ماده ۵). طبق قانون عراق، هر قراردادی باید دلیل قانونی داشته باشد (Iraqi Civil Code, 1951, 132). وجود دلیل شرعی برای هر تعهدی مفروض است حتی اگر در قرارداد قید نشده باشد مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. بنابراین عقدی در صورتی باطل و باطل تلقی می‌شود که علتی نداشته باشد یا علت آن حرام یا مخالف نظم عمومی یا اخلاق عمومی باشد. برخلاف قراردادها، قول ممکن است تعهدات الزام‌آور قانونی ایجاد نکند. (بحر کاظمی و محمودی، ۱۴۰۳: ۳۶)

## ۳. انواع مدل‌های قراردادی نفتی در حقوق دو کشور

به تازگی قراردادهای نفتی که با ورود استعمار در پایان قرن نوزدهم پدیدار شد، سبب شد از ویژگی‌ها و مزایایی برخوردار شود که آن را از دیگر دهه‌های شناخته شده در سطح ملی و بین‌المللی متمایز می‌کند. اهمیت این نوع قراردادها از جایگاه آن در استخراج و سرمایه‌گذاری نفت و نقش آن در جنبه‌های تجاری، اقتصادی و سیاسی ناشی

می‌شود. علاوه بر این، مداخله مستقیم دولت در این نوع قراردادهای، از زمان انعقاد آن و روش‌های به کار رفته در آن که با سایر قراردادهای معمولی متفاوت است که به افراد آزادی انتخاب آن‌ها را بر اساس روشی که مناسب است، می‌دهد. قراردادهای نفتی حاکم بر حقوق ایران و عراق به پنج نوع تقسیم می‌شوند: امتیازات نفتی<sup>۱</sup>، قراردادهای مشارکت در تولید<sup>۲</sup>، شرکت‌های مشترک<sup>۳</sup>، قراردادهای خدماتی<sup>۴</sup> و قراردادهای جدید نفتی<sup>۵</sup> (آی پی سی).

### ۳-۱. قراردادهای امتیازات نفتی

قرارداد امتیاز نفتی به روش‌های مختلفی تعریف شده است. بر اساس نظر دنیس گیرودن، دولت تحت قراردادهای امتیازی، به دارنده قرارداد حق انحصاری اکتشاف، توسعه کامل و حقوق تولید برای هر کشف تجاری را اعطا می‌کند (Guirauden, 2004: 170).<sup>۶</sup> از سوی دیگر، کوتولا بیان می‌کند که امتیازها قراردادهایی هستند که در آن‌ها دولت به سرمایه‌گذار حق انحصاری بهره‌برداری از منابع طبیعی در یک منطقه مشخص را برای مدت معینی اعطا می‌کند و در ازای آن، دریافت‌کننده موظف به پرداخت حق امتیاز، مالیات و هزینه‌ها است (Cotulla, 2010: 24).

ساختارهای استاندارد قراردادهای امتیازی به شرح زیر است:

۱. دولت میزبان به شرکت نفتی بین‌المللی (IOC) حق انحصاری انجام عملیات اکتشاف، توسعه و تولید در یک منطقه محدود را برای مدت زمان مشخصی اعطا می‌کند.

۲. شرکت نفتی بین‌المللی (IOC) مالکیت تجهیزات، نفت و گاز طبیعی را به دست می‌آورد.

۳. شرکت نفتی بین‌المللی (IOC) ریسک‌های مالی و تجاری را بر عهده می‌گیرد.

۴. شرکت نفتی بین‌المللی (IOC) متعهد می‌شود در مراحل اکتشاف و بهره‌برداری، پاداش‌ها، مالیات‌ها، حق امتیازها و سایر هزینه‌ها را پرداخت کند (غضاس و همکاران، ۲۰۱۴، ص ۳۵).

اولین قرارداد امتیاز در ایران در سال ۱۹۰۱ میلادی (۱۲۷۹ شمسی) بین یک انگلیسی به نام دارسی و دولت ایران در آن زمان منعقد شد (Hamad, 2017: 34). این مفهوم توسط بسیاری از کشورهای دیگر مانند ایالات متحده آمریکا، بریتانیا، آفریقای جنوبی، نروژ، روسیه، آرژانتین، استرالیا، نیوزیلند، فرانسه و کلمبیا نیز مورد استفاده قرار گرفت (Ruslan, 2011: 36). به طور کلی، قراردادهای امتیاز به دو نوع تقسیم‌بندی می‌شوند: قراردادهای امتیاز سنتی که قبل از دهه ۱۹۵۰ مورد استفاده قرار می‌گرفتند و قراردادهای امتیاز مدرن که از دهه ۱۹۵۰ به بعد استفاده شده‌اند. برخی از ویژگی‌های قراردادهای امتیاز سنتی شامل موارد زیر است: مساحت بزرگ زمین، مدت زمان طولانی امتیاز، حق امتیاز پرداختی به دولت میزبان توسط یک شرکت نفتی بین‌المللی، نیاز شرکت نفتی بین‌المللی به دارایی‌ها و منابع مالی برای عملیات اکتشاف و توسعه به عنوان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و همچنین مالکیت تجهیزات و تأسیسات استفاده شده توسط شرکت نفتی بین‌المللی (Hamad, 2017: 35). با این حال، شکل مدرن قراردادهای

1- Oil Concessions

2- Production Sharing Contracts - PSCs

3- Joint Ventures

4- Service Contracts

5- Iran Petroleum Contract - IPC

6- Denis Guirauden

امتیاز (MCC)<sup>۱</sup> نیز به شرکت‌های نفتی بین‌المللی حقوق انحصاری برای اکتشاف، توسعه، صادرات و فروش نفت از یک منطقه مشخص برای یک دوره زمانی معین اعطا می‌کند؛ اما در شکل‌های مدرن، محدوده سایت معمولاً به چند بلوک محدود تقسیم می‌شود، مدت زمان قرارداد محدود است، شرکت نفتی بین‌المللی موظف به استخدام کارکنان ملی است و برخی از شکل‌های مدرن شامل پرداخت پاداش به دولت میزبان را در بر می‌گیرند. علاوه بر این، شکل مدرن قراردادهای امتیاز معمولاً نقش فعال‌تری به دولت میزبان می‌دهد که شامل اختیار بررسی یا کنترل بر تصمیمات امتیاز گیرنده است (Ghadas et al., 2014:35).

مطابق با آنچه پیش‌تر گفته شد، برای ما روشن می‌شود که تمامی قراردادهای امتیازی که قبل از جنگ جهانی دوم منعقد شده‌اند، چیزی جز یک فرمول حقوقی برای اشغال و غارت ثروت نفت متعلق به مردم منطقه با استفاده از ضعف مالی و اقتصادی آن‌ها نبوده‌اند. این امر علاوه بر عقب ماندگی‌هایی بود که به دلیل جنگ‌های پی‌درپی در آن‌ها رخ داده بود و منجر به کمبود شدید تخصص‌های ملی در صنعت نفت شده بود.

### ۳-۲. قرارداد مشارکت در تولید

اولین قرارداد مدرن مشارکت در تولید در سال ۱۹۶۶ بین شرکت نفتی مستقل اندونزی و شرکت ملی نفت اندونزی (که در آن زمان با نام پرمینا<sup>۲</sup> شناخته می‌شد) امضا شد (Edward, 2015: 14). دولت، سرمایه‌گذار (یا سرمایه‌گذاران) را به عنوان پیمانکار برای استخراج منابع معدنی تحت قرارداد مشارکت در تولید (PSC) منصوب می‌کند، اما مالکیت منابع را نزد خود حفظ می‌کند. بر اساس این توافق، سرمایه‌گذاران به فعالیت خود با هزینه شخصی ادامه داده و ریسک را با دولت در سهمی از تولید به اشتراک می‌گذارند. در مرحله تولید در قراردادهای مشارکت در تولید، یک طرح معمول از روابط مالی بین سرمایه‌گذاران و دولت به شرح زیر است (بانک مرکزی روسیه، ۲۰۱۱): تولید متعلق به دولت میزبان خواهد بود و شرکت نفتی بین‌المللی حق دارد سرمایه‌گذاری‌های خود را از تولید در منطقه مشخص شده در قرارداد بازبایی کند. پس از آنکه شرکت تمام هزینه‌ها را بازبایی کرد، باقیمانده تولید بین دولت میزبان و شرکت به نسبت‌هایی که قبلاً در قرارداد مشارکت در تولید تعیین شده است، تقسیم می‌شود و درآمد شرکت مشمول مالیات می‌شود (Silva, 2010:44).

عراق اولین قرارداد مشارکت در تولید خود را در مارس ۱۹۹۷ با گروهی از شرکت‌های روسی برای بخش غربی میدان نفتی قُرنه در جنوب عراق و دیگری را در ژوئیه ۱۹۹۷ با اتحادی از شرکت‌های چینی برای میدان نفتی الاحداب که آن نیز در جنوب عراق واقع شده است، امضا کرد (Mustafa, 2018: 6). این نوع قرارداد به نظر می‌رسد برای کشورهای در حال توسعه‌ای مناسب باشد که فاقد سرمایه و تخصص لازم برای استخراج منابع خود هستند و امیدوارند شرکت‌های نفتی بین‌المللی (IOCs)<sup>۳</sup> را به سرمایه‌گذاری در میدان‌های نفتی جذب کنند. علاوه بر این، اگرچه این قراردادها می‌توانند برای سرمایه‌گذاران خارجی بسیار سودآور باشند، اما اغلب با ریسک‌های قابل توجهی در طول عملیات خود مواجه می‌شوند. مالزی، تایلند، مصر، پرو، لیبی، سودان، عمان، فیلیپین و آنگولا از جمله کشورهای در حال توسعه‌ای هستند که بر این نوع از قراردادهای تولید نفت تکیه کرده‌اند (Hamad, 2017:36). در پرتو آنچه

1- Modern Concession Contracts

2- PERMINA

3- International Oil Companies

گفته شد، ما معتقدیم که قرارداد مشارکت در تولید یک جهش کیفی در فرمول‌های قراردادی بین کشور میزبان و شرکت‌های خارجی سرمایه‌گذار محسوب می‌شود، زیرا از طریق آن، دولت می‌تواند کنترل و بهره‌برداری از ثروت نفتی خود را به گونه‌ای که باید و مجاز است، برای تحقق منافع ملی خود اعمال کند؛ بنابراین، این قراردادها به دولت کمک می‌کنند تا کادرهای فنی ملی متخصص در زمینه‌ی صنعت نفت را تشکیل دهد، علاوه بر این که ثروت نفتی خود را بدون نیاز به تخصیص هرگونه مبلغی از بودجه عمومی سرمایه‌گذاری کند.

قرارداد مشارکت در تولید به دلیل مزیت قوی آن برای شرکت‌های ملی نفت، یکی از رایج‌ترین سیستم‌های قراردادی بین شرکت‌های نفتی بین‌المللی (IOC) و شرکت‌های ملی نفت در سال‌های اخیر بوده است، اگرچه این قرارداد در بین کشورهای در حال توسعه متفاوت است (Shafiqul et al., 2023, 12).

### ۳-۳. قرارداد خدمات فنی

قرارداد خدمات فنی یک قرارداد بلندمدت بین دولت عراق و یک شرکت نفتی بین‌المللی برای توسعه، توسعه یا اکتشاف نفت یا گاز در ازای هزینه‌های تعیین شده است (Ghandi and Lin, 2014: 71). مدت این قراردادها ۲۰ تا ۲۵ سال است. به این ترتیب، این شرکت‌ها صنعت نفت عراق را برای چند دهه آینده شکل خواهند داد. دولت عراق این قراردادها را به گونه‌ای طراحی کرده است که عناصر دسته‌های مختلف قراردادهای نفتی را با هم ترکیب کند تا بهترین منافع را از هر یک به دست آورد. قرارداد نفت به سبک قرارداد خدمات فنی روش بسیار سودمندتری برای دولت عراق نسبت به قرارداد مشارکت در تولید اولیه در پیش‌نویس قانون نفت و گاز این کشور می‌باشد (Anaz, 2012: 225). با این حال، عراق باید مکانیزمی بیابد تا با شرکت‌های بین‌المللی نفتی خطرات نوسانات قیمت نفت را به اشتراک بگذارد تا از پرداخت مبلغ ثابت بالا در جایی که قیمت نفت کاهش یافته است اجتناب کند تا از بحران‌های مالی مشابه آنچه در سال ۲۰۱۴ رخ داد جلوگیری کند. عوامل محرک اصلی تصویب قرارداد خدمات فنی<sup>۱</sup> در عراق، نگرانی‌های حاکمیتی بر منابع طبیعی از یک سو و نیاز به سرمایه و دانش شرکت‌های نفتی بین‌المللی برای توسعه میادین نفت و گاز طبیعی از سوی دیگر است (Ghandi and Lin, 2014: 71).

بر اساس قراردادهای خدمات فنی، شرکت‌های بین‌المللی نفتی فن‌آوری و تخصص صنعتی جدید را به ارمغان می‌آورند و سرمایه‌گذاری اولیه‌ای را انجام می‌دهند که برای توسعه میادین نفتی و افزایش تولید ضروری است؛ اما این شرکت‌ها مالکیت منابع نفت و گاز عراق را به دست نمی‌آورند، بلکه، دولت هزینه تولید نفت (شامل هزینه‌های سرمایه‌گذاری) را به شرکت‌های بین‌المللی بازپرداخت می‌کند، به اضافه یک مبلغ ثابت در هر بشکه (حدود ۱ تا ۶ دلار بسته به قرارداد) به عنوان کارمزد برای هر بشکه نفت جدید تولید شده توسط آن‌ها پرداخت می‌نماید. بر اساس این گونه قراردادها، طرفین موظفاند اندکی پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قرارداد، یک کمیته مدیریت مشترک به منظور نظارت و کنترل کلی عملیات نفتی ایجاد کنند. (بند الف ماده ۱۳ مدل قرارداد خدمات فنی عراق) شرکت بین‌المللی نفتی و شرکت دولتی نفت عراق به عنوان شریک دولتی به طور مساوی در این کمیته حضور دارند. یکی از وظایف این کمیته، تصویب برنامه‌های آموزشی برای توسعه برنامه‌های پرسنل و کارکنان عراقی طبق شرایط قرارداد و نظارت بر اجرای برنامه‌های مصوب است.

1- Technical service contract (Tsc)

قرارداد خدماتی به یک شرکت نفتی اجازه می‌دهد تا به‌منظور اکتشاف و استخراج نفت، در ازای دریافت هزینه‌ای از پیش تعیین‌شده از دولت میزبان، فعالیت کند. برخی از کشورها به شرکت نفتی اجازه می‌دهند تا به‌عنوان هزینه، نفت خام دریافت کند تا این قرارداد را جذاب‌تر کنند. این نوع قرارداد به‌عنوان قرارداد بازخرید<sup>۱</sup> شناخته می‌شود و برای اولین بار در برخی از میادین نفتی ایران آغاز شد. در این نوع قرارداد، شرکت نفتی بین‌المللی متعهد می‌شود، در حالی که مالکیت نفت تولیدشده کاملاً در اختیار دولت میزبان است، در عین حال دولت موافقت می‌کند تمام هزینه‌های پیمانکار را پوشش دهد. این مدل قرارداد، کشور میزبان را تشویق می‌کند تا منابع نفتی خود را ملی کند و منابع نفتی همچنان در مالکیت شرکت ملی نفت دولت میزبان باقی می‌ماند (Mustafa, 2018: 6). در خاورمیانه، اولین قرارداد خدماتی در سال ۱۹۶۶ بین شرکت ERAP و شرکت ملی نفت ایران منعقد شد و پس از آن تا سال ۱۹۷۴، هفت قرارداد خدماتی دیگر با ایران به عنوان دولت میزبان امضا شد. در سال ۱۹۶۸، شرکت ملی نفت عراق (INOC) و یک شرکت فرانسوی (ERAP) اولین قرارداد خدماتی خود را امضا کردند (Al-Bidery, 2014: 61).

قراردادهای خدماتی به سه نوع اصلی تقسیم می‌شوند: قراردادهای خدماتی خالص، قراردادهای خدماتی با ریسک و قراردادهای کمک فنی. در قرارداد خدماتی با ریسک، شرکت‌های نفتی خصوصی تمام ریسک‌های عملیات اکتشاف و تولید را بر عهده می‌گیرند و در عین حال امکان سودآوری نیز دارند. تمام تولید متعلق به دولت میزبان است و در صورت کشف منابع، شرکت هزینه‌های نقدی خدمات خود را به همراه سود حاصل از منابع استخراج‌شده دریافت می‌کند و بالعکس. در حقوق قراردادهای نفتی ایران،<sup>۲</sup> IPC به عنوان یک قرارداد خدمات ریسک، دارای مزایایی مانند طول عمر طولانی‌تر پروژه، رژیم مالی انعطاف‌پذیرتر، امکان واگذاری قرارداد و داوری بی‌طرفانه است. باید با گنجاندن مشوق‌های زیاد در قرارداد، آن را بهبود بخشید تا با سیاست‌های شرکت‌های نفتی بین‌المللی همسو شود. شایان ذکر است که حاکمیت دائمی بر منابع و حق مالکیت نفت درجا، به عنوان الزامات مادی دولت میزبان، به هیچ وجه مختل یا کند نخواهد شد (Bahmaei and Afshar, 2024: 100). در قرارداد خدماتی خالص، دولت میزبان تمام ریسک‌ها را می‌پذیرد و شرکت نیز سودی از منابع تولیدشده به دست می‌آورد. از سوی دیگر، در قرارداد کمک فنی، دولت میزبان بیشترین قدرت را دارد و شرکت نفتی خصوصی هیچ شانس برای کسب سهمی از منابع ندارد. این نوع قرارداد به دولت میزبان اجازه می‌دهد تا از تخصص فنی، سرمایه‌ای و حرفه‌ای شرکت‌های فراملی بهره‌مند شود، در حالی که کنترل و حاکمیت خود بر منابع معدنی ملی را حفظ می‌کند (Saly Edward, 2015: 20).

در پرتو آنچه گفته شد، برای ما روشن می‌شود که شرکت پیمانکار ملزم به پرداخت مالیات، هزینه‌های قانونی و حق امتیاز به کشور میزبان نیست، همچنین موظف به پرداخت پاداش‌های ناشی از امضای قرارداد و تولید نیز نمی‌باشد، برخلاف قراردادهای مشارکت مشترک و قراردادهای مشارکت در تولید. این امر به این دلیل است که شرکت خارجی قصد سودآوری از تولید نفت را ندارد، بلکه دستمزد خود را در ازای ارائه خدماتش دریافت می‌کند که با کشور میزبان توافق شده است. این موضوع در قرارداد شرکت ملی نفت عراق و شرکت فرانسوی‌ای آر ای پی ذکر شده است که بیان می‌کند: «هیچ بخشی از فعالیت‌های شرکت تحت این قرارداد مشمول مالیات در عراق نمی‌شود.» علاوه بر این، قرارداد خدماتی به‌عنوان اعطای امتیاز محسوب نمی‌شود و همچنین به معنای ورود شرکت

1- buyback agreement

2- Iran's Petroleum Contract

خارجی به پروژه به عنوان شریک طرف ملی نیز نیست، همان طور که در سایر قراردادهای نفتی مرسوم است (ماده ۳/۷، قرارداد بین شرکت ملی نفت عراق و شرکت فرانسوی ERAP، ۱۹۶۸).

### ۳-۴. قراردادهای مشارکت مشترک

در مقایسه با قراردادهای امتیازی<sup>۱</sup> و قراردادهای مشارکت در تولید، قراردادهای مشارکت مشترک<sup>۲</sup> به کشورهای میزبان اجازه می‌دهند تا کنترل و نظارت بهتری بر عملیات نفتی داشته باشند (Hamad, 2017: 38). برای کشور میزبان، این نوع قرارداد به عنوان یک گزینه سودمند دیده می‌شود. در این نوع قرارداد، هر دو طرف ریسک‌ها، هزینه‌ها، تولید و سود را بر اساس شرایط توافق شده به اشتراک می‌گذارند. قرارداد مشارکت مشترک یک شراکت ایجاد می‌کند که در آن منافع هر دو طرف با تقسیم حقوق و تعهدات در عملیات نفتی متعادل می‌شود. کشور میزبان در عملیات نفتی مشارکت می‌کند و هزینه‌ها و ریسک‌های مرتبط با آن را متحمل می‌شود. اگر کشف تجاری موفقیت‌آمیز نباشد، کشور میزبان متحمل ضرر می‌شود که این موضوع با قراردادهای امتیازی و مشارکت در تولید متفاوت است (Ghadas et al., 2014:39).

قراردادهای مشارکت مشترک طرفین را ملزم می‌کنند تا در پروژه‌ها با درجات مختلف همکاری کنند و این امر به شرکت‌های نفتی بین‌المللی اجازه می‌دهد تا مهارت‌ها، فناوری و تخصص خود را به شرکت ملی نفت کشور میزبان منتقل کنند. در این نوع قرارداد، تصمیم‌گیری‌ها بر عهده کشور میزبان و شرکت نفتی بین‌المللی است. دولت سهمی از سود مشارکت مشترک (معمولاً به صورت نقدی یا نفت) دریافت می‌کند و همچنین ممکن است حق امتیاز یا مالیات نیز دریافت کند (Radon, 2016: 7). علاوه بر این، از نظر ریسک‌ها، هزینه‌ها و مشارکت در مدیریت، میزان مشارکت دولت در عمل از یک قرارداد به قرارداد دیگر بسیار متفاوت است. این نوع قرارداد برای اولین بار در سال ۱۹۷۷ در ایران و جاکارتا، اندونزی، مورد استفاده قرار گرفت و پس از آن توسط سایر کشورها نیز به کار گرفته شد. این نوع قرارداد در میدان نفتی ساحل شمال غربی استرالیا، نیجریه و روسیه نیز استفاده شده است (Hamad, 2017: 38).

### ۴. ماهیت حقوقی قراردادهای نفتی

قراردادهای نفتی دارای ماهیتی مختلط یا مرکب ویژه هستند. صاحبان این دیدگاه معتقدند که قراردادهای سرمایه‌گذاری نفتی دارای ماهیتی مختلط ویژه هستند که دربرگیرنده ویژگی‌های ترکیبی از حقوق عمومی و حقوق خصوصی می‌باشند و تابع هر دو این نظام‌های حقوقی هستند. این قراردادها از یک سو بازتاب‌دهنده عناصر متعلق به حقوق عمومی و حقوق خصوصی هستند و از سوی دیگر شامل مؤلفه‌های داخلی و بین‌المللی می‌باشند. همچنین این قراردادها جنبه‌هایی از برابری متعارف در حقوق خصوصی و نموده‌های شناخته‌شده اقتدار در حقوق عمومی را در خود جای داده‌اند (Ghadas, et al, 2014:42).

1- Concession Contract

2- Joint Venture Contracts

بر این اساس، قراردادهای مورد بحث یک عمل حقوقی با ماهیتی دوگانه محسوب می‌شوند. از یک سو دولت تولیدکننده با اراده خود مجوز بهره‌برداری را اعطا می‌کند و در این بخش اراده طرف مقابل نقشی ندارد؛ بنابراین، بخشی از قراردادهای سرمایه‌گذاری نفتی که حق بهره‌برداری از نفت را برای شرکت سرمایه‌گذار ایجاد می‌کند، در واقع یک تصمیم یا مجوز اداری فردی است. در بخش دیگر این قراردادها که شامل حقوق پیمانکار یا ذی‌نفع می‌شود و مبتنی بر توافق دولت با وی است، ما با قراردادهای خصوصی مواجه هستیم.

## نتیجه‌گیری

قراردادهای نفتی به عنوان ابزارهای حقوقی و اقتصادی، نقش اساسی در توسعه صنعت نفت و گاز ایفا می‌کنند. این قراردادها چارچوبی برای همکاری میان دولت‌های میزبان و شرکت‌های سرمایه‌گذار خارجی فراهم می‌کنند و اصول کلی حاکم بر آن‌ها بر پایه منافع مشترک، عدالت، شفافیت و مدیریت ریسک استوار است. در این مقاله، اصول کلی حاکم بر قراردادهای نفتی در ایران و عراق مورد بررسی قرار گرفت و تفاوت‌ها و شباهت‌های این اصول تحلیل شد. با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهادهایی برای بهبود نظام حقوقی قراردادهای نفتی در هر دو کشور ارائه شد. امید است که این پیشنهادها بتواند به ایجاد فضایی پایدار و قابل اعتماد برای همکاری‌های بین‌المللی در صنعت نفت و گاز کمک کند و منافع بلندمدت همه ذینفعان، از جمله دولت، سرمایه‌گذاران و جامعه محلی را تأمین نماید. در ایران، قراردادهای نفتی تحت تأثیر قوانین داخلی مانند قانون نفت مصوب ۱۳۶۶ و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قرار دارند. این قوانین بر حاکمیت دولتی بر منابع طبیعی تأکید کرده و قراردادهایی مانند بیع متقابل و مشارکت در تولید را به عنوان مدل‌های رایج قراردادهای نفتی معرفی می‌کنند. از سوی دیگر، در عراق، قراردادهای نفتی تحت تأثیر قانون نفت عراق مصوب ۲۰۰۷ و قانون اساسی این کشور قرار دارند. عراق بیشتر از مدل‌های مشارکت در تولید و قراردادهای خدمات فنی استفاده می‌کند. با وجود تفاوت‌های موجود در نظام حقوقی دو کشور، هر دو کشور تلاش می‌کنند تا از منابع نفتی خود به نفع عموم مردم استفاده کنند و تعهدات بین‌المللی خود را رعایت نمایند. با این حال، چالش‌هایی مانند ناآرامی‌های سیاسی، عدم ثبات در قوانین و مقررات نفتی و ریسک‌های مالی و فنی، همچنان وجود دارند که نیازمند توجه و مدیریت هستند. پیشنهاد می‌شود جهت تقویت شفافیت و پاسخگویی، سازوکارهای شفاف برای گزارش‌دهی درآمدها و هزینه‌های مرتبط با قراردادهای نفتی پیش‌بینی شود و همچنین در راستای مدیریت ریسک، سازوکارهای مدیریت ریسک در قراردادهای نفتی به منظور کاهش تأثیرات نامطلوب ناشی از تغییرات قیمت نفت و سایر ریسک‌های مالی و فنی توسعه داده شود و با استفاده از ابزارهای مالی مانند قراردادهای آتی و اختیار معامله برای پوشش ریسک‌های ناشی از نوسانات قیمت نفت اقدام گردد. برای انعطاف‌پذیری در قراردادها گنجاندن بندهای تعدیل و بازنگری دوره‌ای در قراردادهای نفتی به منظور تطبیق با شرایط متغیر اقتصادی و سیاسی امری اجتناب‌ناپذیر است. همچنین استفاده از بندهای فورس مازور برای مدیریت شرایط غیرمنتظره مانند بحران‌های سیاسی یا طبیعی نیز خالی از لطف نمی‌باشد. در زمینه‌ی همکاری بین‌المللی، توسعه قوانین و مقررات، حفاظت از محیط زیست و آموزش و توسعه نیروی انسانی پیشنهاد می‌شود همکاری با شرکت‌های بین‌المللی نفتی برای انتقال فناوری و تخصص به کشورهای میزبان تقویت گردد و در سازمان‌های بین‌المللی مانند اوپک برای هماهنگی بهتر در سیاست‌های نفتی مشارکت گردد. قوانین نفتی در ایران و عراق به منظور انطباق با استانداردهای بین‌المللی بازنگری

و به‌روزرسانی گردد و یک چهارچوب حقوقی یکپارچه برای قراردادهای نفتی در عراق به منظور کاهش تعارضات بین قوانین فدرال و محلی ایجاد شود. همچنین بندهای محیط زیستی در قراردادهای نفتی به منظور کاهش تأثیرات منفی فعالیت‌های نفتی بر محیط زیست جهت رعایت تعهدات بین‌المللی در زمینه‌ی محیط زیست و تغییرات آب‌وهوایی گنجانده شود و در نهایت سرمایه‌گذاری در آموزش و توسعه نیروی انسانی متخصص در صنعت نفت و گاز و ایجاد برنامه‌های آموزشی برای کارکنان محلی به منظور افزایش مشارکت آن‌ها در پروژه‌های نفتی پیش‌بینی گردد.

## منابع

## منابع فارسی

- بحر کاظمی، مریم؛ محمودی، امیررضا (۱۴۰۳). «چالش‌های ناشی از انعقاد قراردادهای هوشمند در حقوق ایران و عراق»، مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، ۲(۳)، ۲۹-۴۶.
- الذبحاوی، نبیل مهدی؛ محمودی، امیررضا؛ بحر کاظمی، مریم (۱۴۰۴). «واکاوی تطبیقی وضعیت حقوقی هوش مصنوعی در انعقاد قرارداد در حقوق ایران و ترکیه»، مطالعات تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، ۳(۱)، ۲۵-۴۵.
- حسینی، محمد صادق (۱۳۹۸). «چارچوب حقوقی قراردادهای نفتی در عراق: چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه مطالعات حقوق انرژی، ش ۲، تابستان، صص ۷۳-۱۰۲.
- رضایی، حسین (۱۴۰۰). تأثیر قوانین بین‌المللی بر صنعت نفت عراق. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- زارعی، محمد (۱۳۹۸). حقوق نفت و گاز. تهران: انتشارات خرسندی.
- شکوهی، محمدرضا و سعادت زاده، احسان (۱۴۰۰). «روش‌های مقابله با چالش‌ها و ریسک‌ها در قراردادهای نفتی»، ماهنامه اکتشاف و تولید نفت و گاز، ش ۱۹۵، دی، صص ۳۴-۴۲.
- علی‌زاده، مرتضی و رضایی، حسین (۱۳۹۸). «مدیریت ریسک در قراردادهای نفتی: چالش‌ها و راهکارها»، فصلنامه مطالعات حقوق انرژی، ش ۲، صص ۴۵-۶۰.
- کاظمی نجف آبادی، عباس (۱۳۹۳). آشنایی با قراردادهای نفتی. چ ۱، تهران: انتشارات شهر دانش.
- کریمی، محمد، (۱۳۹۹)، «تأثیر قوانین بین‌المللی بر صنعت نفت و گاز»، فصلنامه مطالعات حقوق انرژی، ش ۱، بهار، صص ۳۲-۴۸.
- محمدی، علی (۱۳۹۷). چارچوب حقوقی قراردادهای نفتی در ایران. چ ۲، تهران: انتشارات خرسندی.

## منابع غیر فارسی

- Roberts, P. (2016). Petroleum Contracts: English Law and Practice. London: Sweet & Maxwell.
- Johnston, D. (2003). Petroleum Fiscal Systems and Contracts. Tulsa, OK: PennWell Books.
- Islam, M. R. (2020). Risk Management in the Oil and Gas Industry. Boca Raton, FL: CRC Press.
- Abbas Ghandi and Cynthia Lin (2014). Oil and Gas Service Contract around the World: A Review' 3 Energy Strategy Reviews 63, 71.
- Mohammad Ali Bahmaei; Ehsan Afshar (2024). The Main Policies of International Oil Companies (IOCs) in Petroleum Contracts: an Overview on Risk Service Contracts in Iran's Upstream Oil Industry. Petroleum Business Review, Vol. 8, No. 2, pp. 83-103.
- Ghanim Anaz (2012). Iraq Oil and Gas Industry in the Twentieth Century, Nottingham University Press, 223- 302.
- Hassan, Shafiqul; Amuda, Yusuff Jelili; Dhali, Mohsin; Saghir Munir Mehar (2023). Contract structure of production sharing agreement by international oil company in exploration of petroleum resources in

- developing countries. *International Journal of Energy Economics and Policy*, 13(3), 7- 14
- HAMAD, S. A. (2017). *Renegotiation Clauses in International Petroleum Contracts*, master thesis, Near East University.
- Ruslan Suleymanov (2011). 'Balancing State and Investor Interests in International Petroleum Contracts: Renegotiation Clause', CEU master thesis.
- SSALI EDWARD (2015). *Production sharing or concession agreement: Which is optimal for the exploitation of Ugandan oil and gas resources*.
- Al-Chalabi, F. (2010). *Iraq's Oil Policy: Past, Present and Future*. London: Routledge.
- Guirauden, D. (2004). *Legal, fiscal and contractual framework. oil and gas exploration and production*.
- Ghadas, A., Ariff, Z., & Karim, S. (2014). *Types and Features of International Petroleum Contracts*. South East Asian Journal of Contemporary Business, Economics and Law.
- Radon, J., & Logan, S. (2016). *National Oil Companies in the Middle East and North Africa: Remaining Relevant in a Changing World*. In *Economic Research Forum Working Papers* (No. 1072).
- Al-Bidery, S. A. (2014). *Modernizing Iraq: a vision for a comprehensive petroleum arbitration regime in Iraq*, Bangor University (United Kingdom).

#### سایتها

- United Nations Conference on Trade and Development (UNCTAD). (2020). *Technology and Innovation Report*. Retrieved from <https://unctad.org>
- Transparency International. (2020). *Corruption in the Extractive Industries*. Retrieved from <https://www.transparency.org>
- Mustafa Rashid Issa, (2018), *(Petroleum Contracts under the Iraqi Law: National and International Perspectives -Law Department, Ishik University, Iraq, available at: <<http://www.sciint.com/pdf/636610316796686267.edited%20PAID.pdf>> accessed 24 March 2021*

## چکیده تفصیلی

### پیشینه و هدف

قراردادهای نفتی از مهم‌ترین ابزارهای حقوقی در صنعت نفت و گاز و از عوامل مؤثر بر توسعه اقتصادی کشورهای برخوردار از منابع هیدروکربوری به شمار می‌روند. این قراردادها به دلیل ماهیت بلندمدت خود، روابط حقوقی و اقتصادی میان دولت‌های میزبان و شرکت‌های نفتی خارجی را برای دوره‌ای نسبتاً طولانی تنظیم می‌کنند و از این رو در معرض تغییرات پیش‌بینی نشده سیاسی، اقتصادی و حقوقی قرار دارند. استمرار چنین تغییراتی می‌تواند تعادل اقتصادی اولیه قرارداد را تحت تأثیر قرار داده و زمینه بروز تعارض منافع و اختلاف میان طرفین را فراهم کند. به همین دلیل، تعیین اصول حاکم بر قراردادهای نفتی و پیش‌بینی سازوکارهایی برای حفظ تعادل قراردادی، تأمین منافع ملی و ایجاد امنیت حقوقی برای سرمایه‌گذاران خارجی، اهمیت اساسی دارد. ایران و عراق، با وجود اشتراکات تاریخی، جغرافیایی و برخورداری از منابع غنی نفتی، در تنظیم روابط قراردادی با شرکت‌های خارجی رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تطبیقی اصول حاکم بر قراردادهای نفتی در ایران و عراق، تحلیل مبانی حقوقی حاکم بر روابط دولت و سرمایه‌گذاران خارجی و شناسایی نقاط قوت و چالش‌های هر یک از دو نظام انجام شده است.

### مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی و تطبیقی است. داده‌های پژوهش با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی و از طریق بررسی قوانین و مقررات مرتبط با منابع طبیعی و قراردادهای نفتی، اصول قانون اساسی، الگوهای قراردادی و اسناد حقوقی ایران و عراق و همچنین منابع معتبر حقوقی و اقتصادی گردآوری شده است. در تحلیل تطبیقی، مبانی حاکمیت دولت بر منابع طبیعی، نحوه مشارکت شرکت‌های خارجی، میزان انعطاف‌پذیری قراردادهای سازوکارهای حل و فصل اختلافات، حمایت از سرمایه‌گذاری خارجی، نحوه توزیع ریسک و الزامات حفظ منافع ملی مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل در سه مرحله انجام شده است: نخست، مبانی حقوقی و اقتصادی قراردادهای نفتی در دو کشور بررسی شده؛ دوم، ساختار و ویژگی‌های الگوهای قراردادی ایران و عراق تحلیل شده؛ و سوم، تفاوت‌ها و اشتراکات دو نظام در زمینه‌ی حاکمیت بر منابع، سرمایه‌گذاری خارجی، انعطاف قراردادی، حل و فصل اختلافات و مدیریت ریسک مورد ارزیابی تطبیقی قرار گرفته است.

### یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در نظام حقوقی ایران، حاکمیت ملی بر منابع طبیعی یکی از مبانی اساسی تنظیم قراردادهای نفتی است. اصول ۴۵ و ۸۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مالکیت عمومی منابع طبیعی و محدودیت‌های مربوط به واگذاری امتیازات به اشخاص و شرکت‌های خارجی را مورد توجه قرار داده‌اند. این رویکرد در الگوی قراردادهای بیع متقابل که پس از انقلاب اسلامی به یکی از الگوهای اصلی قراردادهای نفتی ایران تبدیل شد، انعکاس یافته است. در این الگو، کنترل اصلی عملیات اکتشاف و تولید در اختیار دولت و شرکت‌های ملی نفت باقی می‌ماند و شرکت خارجی عمدتاً در قالب ارائه‌دهنده خدمات قراردادی مشارکت می‌کند. این ساختار، از منظر حفظ حاکمیت ملی و کنترل دولت بر منابع نفتی،

مزیت قابل توجهی دارد؛ باین حال، شرایط قراردادی نسبتاً محدودکننده و تأثیر تحریم‌های بین‌المللی، انعطاف‌پذیری و توانایی ایران در جذب سرمایه و فناوری خارجی را با چالش مواجه کرده است. در مقابل، عراق پس از سال ۲۰۰۳ و تحت تأثیر شرایط سیاسی و اقتصادی ناشی از جنگ و ضرورت بازسازی صنعت نفت، رویکرد انعطاف‌پذیرتری نسبت به مشارکت شرکت‌های خارجی اتخاذ کرده است. ساختار قراردادی عراق، با تأثیرپذیری از معیارهای بین‌المللی صنعت نفت، بر استفاده از ظرفیت سرمایه، فناوری و تخصص شرکت‌های خارجی تأکید بیشتری داشته و قراردادهای خدمات فنی و برخی الگوهای ترکیبی را مورد استفاده قرار داده است. این تفاوت نشان می‌دهد که اگرچه هر دو کشور حفظ منافع ملی و حاکمیت بر منابع نفتی را به‌عنوان اهداف اساسی پذیرفته‌اند، روش‌های تحقق این اهداف و میزان انعطاف‌پذیری آن‌ها در برابر سرمایه‌گذاران خارجی متفاوت است. ایران با توجه به تجربه تاریخی خود در روابط با شرکت‌های نفتی خارجی، رویکردی محتاطانه‌تر و کنترل‌شده‌تر اتخاذ کرده، در حالی که عراق به دلیل نیاز فوری به بازسازی صنعت نفت، پذیرش گسترده‌تر استانداردهای بین‌المللی و انعطاف قراردادی را در پیش گرفته است. تفاوت میان دو نظام در حوزه حل‌وفصل اختلافات نیز آشکار است. در ایران، تأکید بیشتری بر سازوکارهای داخلی و محدودیت‌های ناشی از ساختار حقوقی داخلی وجود دارد، در حالی که عراق گرایش بیشتری به استفاده از سازوکارهای داوری بین‌المللی نشان داده است. بررسی چالش‌های موجود نشان می‌دهد که در ایران، تحریم‌های بین‌المللی، محدودیت‌های قراردادی و دشواری دسترسی به سرمایه و فناوری خارجی از مهم‌ترین موانع توسعه روابط قراردادی نفتی محسوب می‌شوند. در عراق، اگرچه انعطاف بیشتر در قراردادهای توانسته است زمینه جذب سرمایه‌گذاران خارجی را تقویت کند، این کشور همچنان با چالش‌هایی نظیر تأثیرگذاری عوامل سیاسی خارجی، بی‌ثباتی نهادی و اختلافات داخلی درباره نحوه توزیع منابع نفتی میان مناطق و استان‌ها مواجه است؛ بنابراین، شرایط خاص هر دو کشور ضرورت بازنگری در الگوهای قراردادی و هماهنگ‌سازی آن‌ها با تحولات صنعت جهانی نفت و الزامات حقوق داخلی را آشکار می‌کند.

## نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که هیچ‌یک از دو الگوی قراردادی ایران و عراق را نمی‌توان به‌صورت مطلق به‌عنوان الگوی مطلوب معرفی کرد؛ زیرا هر یک محصول شرایط تاریخی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی خاص خود هستند. الگوی مناسب قراردادهای نفتی باید میان دو هدف اساسی، یعنی جذب سرمایه و فناوری خارجی و حفظ حاکمیت ملی و منافع بلندمدت کشور، تعادل برقرار کند. در این چارچوب، بهره‌گیری از تجربه متقابل دو کشور می‌تواند به اصلاح نظام قراردادی کمک کند. ایران می‌تواند ضمن حفظ اصول حاکمیت ملی بر منابع نفتی، انعطاف بیشتری در برخی شرایط مالی، عملیاتی و مدیریت ریسک قراردادهای ایجاد کند. عراق نیز می‌تواند با تقویت نظارت حقوقی و نهادی، شفافیت قراردادی و سازوکارهای داخلی کنترل، آثار نفوذ عوامل سیاسی خارجی و اختلافات داخلی را کاهش دهد. همچنین توسعه سازوکارهای تخصصی حل‌وفصل اختلافات، افزایش شفافیت و ثبات حقوقی، بهبود مدیریت ریسک و پیش‌بینی انعطاف‌پذیری متناسب با نوسانات قیمت نفت، از الزامات اصلاح قراردادهای نفتی در هر دو کشور است. در نهایت، ترکیب اصول حاکمیت ملی ایران با برخی ظرفیت‌های انعطاف‌پذیر موجود در تجربه قراردادی عراق می‌تواند زمینه شکل‌گیری الگوهای قراردادی متوازن‌تری را فراهم سازد؛ الگوهایی که ضمن تسهیل دسترسی به سرمایه، فناوری و دانش تخصصی خارجی، از منافع ملی و حاکمیت دولت بر منابع طبیعی در بلندمدت حمایت کنند و زمینه حرکت صنعت نفت دو کشور به سوی توسعه پایدار را فراهم آورند.

واژگان کلیدی: قراردادهای نفتی؛ حاکمیت بر منابع طبیعی؛ سرمایه‌گذاری خارجی؛ قراردادهای بیع متقابل؛ قراردادهای خدمات فنی؛ حل‌وفصل اختلافات؛ ایران؛ عراق.

## Extended Abstract

### Background and Aim

Petroleum contracts constitute among the most important legal instruments in the oil and gas industry and play a significant role in the economic development of hydrocarbon-rich countries. Due to their long-term nature, these contracts regulate the legal and economic relations between host governments and foreign oil companies over extended periods and are therefore particularly vulnerable to unforeseen political, economic, and legal changes. Such changes may disrupt the initial economic equilibrium of a contract and give rise to conflicting interests and disputes between the parties. Accordingly, determining the governing principles of petroleum contracts and establishing mechanisms to preserve contractual equilibrium, safeguard national interests, and provide legal certainty for foreign investors are of fundamental importance. Iran and Iraq, despite their historical and geographical similarities and abundant oil resources, have adopted different approaches to regulating contractual relations with foreign companies. This study aims to comparatively examine the governing principles of petroleum contracts in Iran and Iraq, analyse the legal foundations governing relations between governments and foreign investors, and identify the strengths and challenges of each legal system.

### Materials and Methods

The study is applied in terms of its purpose and adopts a descriptive-analytical and comparative approach in terms of its nature and methodology. The research data were collected through library and documentary research, including an examination of laws and regulations concerning natural resources and petroleum contracts, constitutional principles, contractual models, and relevant legal instruments in Iran and Iraq, together with authoritative legal and economic sources. The comparative analysis focuses on governmental sovereignty over natural resources, the participation of foreign companies, the degree of contractual flexibility, dispute resolution mechanisms, protection of foreign investment, risk allocation, and the preservation of national interests. The analysis was conducted in three stages. First, the legal and economic foundations of petroleum contracts in the two countries were examined. Second, the structure and characteristics of the contractual models adopted in Iran and Iraq were analysed. Third, the similarities and differences between the two

systems were comparatively assessed with respect to resource sovereignty, foreign investment, contractual flexibility, dispute resolution, and risk management.

## Findings

The findings indicate that, within the Iranian legal system, national sovereignty over natural resources constitutes one of the fundamental principles governing petroleum contracts. Articles 45 and 81 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran recognise public ownership of natural resources and address restrictions concerning the granting of concessions to foreign individuals and companies. This approach is reflected in buyback contracts, which became one of the principal contractual models used in Iran following the Islamic Revolution. Under this model, primary control over exploration and production operations remains with the government and national oil companies, while foreign companies primarily participate as contractual service providers. Although this structure provides a significant advantage in terms of preserving national sovereignty and governmental control over petroleum resources, relatively restrictive contractual conditions and the impact of international sanctions have created substantial challenges for Iran in attracting foreign capital and technology. By contrast, following 2003, Iraq adopted a more flexible approach to foreign participation in the petroleum sector, largely in response to the political and economic circumstances arising from war and the need to reconstruct its oil industry. Iraq's contractual framework, influenced by international standards in the petroleum industry, has placed greater emphasis on utilising the capital, technology, and expertise of foreign companies and has employed technical service contracts and certain hybrid contractual arrangements. This difference demonstrates that, although both countries recognise the preservation of national interests and sovereignty over petroleum resources as fundamental objectives, they differ considerably in the methods through which these objectives are pursued and in the degree of flexibility afforded to foreign investors. Drawing upon its historical experience with foreign oil companies, Iran has adopted a more cautious and controlled approach, whereas Iraq's urgent need to reconstruct its petroleum industry has encouraged greater acceptance of international standards and contractual flexibility. The differences between the two systems are also evident in the field of dispute resolution. Iran places greater emphasis on domestic mechanisms and the limitations arising from its domestic legal framework, whereas Iraq has demonstrated a greater inclination toward international arbitration mechanisms. An examination of the challenges confronting the two systems indicates that international sanctions, contractual restrictions, and difficulties in accessing foreign capital and technology constitute major obstacles to the development of petroleum contractual

relations in Iran. In Iraq, although greater contractual flexibility has contributed to attracting foreign investors, the country continues to face challenges including external political influence, institutional instability, and domestic disputes concerning the distribution of petroleum resources among regions and provinces. These circumstances demonstrate the need to reconsider existing contractual models and align them with developments in the global petroleum industry and the requirements of domestic law.

## Conclusion

The findings demonstrate that neither the Iranian nor the Iraqi contractual model can be regarded as universally optimal, as each has developed in response to its particular historical, political, economic, and legal circumstances. An effective petroleum contractual framework must strike a balance between two fundamental objectives: attracting foreign capital and technology while preserving national sovereignty and long-term national interests. In this context, drawing upon the respective experiences of the two countries may contribute to improving their contractual frameworks. Iran could, while preserving the principle of national sovereignty over petroleum resources, introduce greater flexibility into certain financial and operational terms and risk-management mechanisms. Iraq, in turn, could strengthen legal and institutional oversight, contractual transparency, and domestic control mechanisms in order to reduce the effects of external political influence and internal disputes. The development of specialised dispute resolution mechanisms, enhanced transparency and legal stability, improved risk management, and the incorporation of appropriate flexibility in response to fluctuations in petroleum prices are also essential to reforming petroleum contracts in both countries. Ultimately, combining Iran's principles of national sovereignty with certain flexible features reflected in Iraq's contractual experience may facilitate the development of more balanced contractual frameworks that promote access to foreign capital, technology, and specialised expertise while safeguarding national interests and governmental sovereignty over natural resources in the long term and supporting the sustainable development of the petroleum industries of both countries.

## Keywords:

Petroleum Contracts; Sovereignty over Natural Resources; Foreign Investment; Buyback Contracts; Technical Service Contracts; Dispute Resolution; Iran; Iraq.

